

اله معبودا، عبادت را از شمره می وجد محروم مناو

از بحر حودت قسمت عطا فرما

هو هو اي محظوظ من، ندامی کنم تورا که قلب
هزینم را از غیر خود غافل گردانی
و به خود مشغول نمایی.



ای علیم، اگرچه غافلیم و لکن به کرمت مشبث
و اگرچه جا علیم به بحر علمت متوجه

هو هو ای محظوظ من، کمند عشق تو سرهای
عارفان را بسته و تیر حبت تو چکرهای
عاشقان را خسته.



الْهَا مَعُوداً مِلْكًا مَقْصُودًا

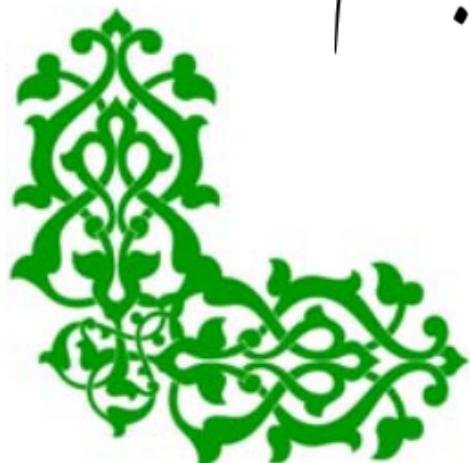
بِهِ لِسانٌ تُورا سُكُر نَعِيمٌ غَافلٌ بُودَمْ آگاهٌم فَرِمُودَيِ

مَعْرِضٌ بُودَمْ بِرَا قِبَالٌ تَائِيدٌ نَمُودَيِ

ای پروردگار من، قسم می دهم تورا به اسم ستارت که

آنچه به غیر رضای تو عمل شده سرخانی و به اسم

غفورت از مادرگذری.



پروردگارا وجود کل از جودت موجود، از بحر

کرمت محروم مفرما و از دریایی رحمت منع کمن



الهام عبود امجداد، محتاجان پايت، عطایت را

مي طلبند و عشاق رویت، لقایت را

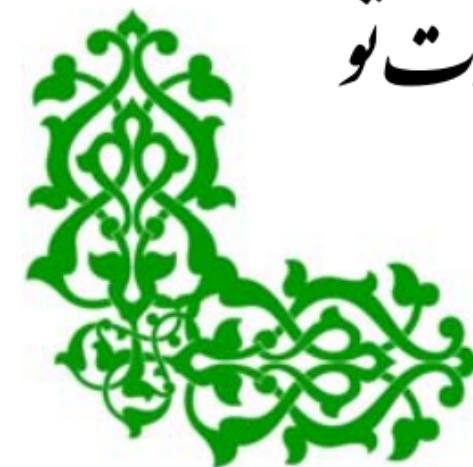


اله مَعْصُوداً مَقْصُوداً كَرِيمَارِ حِمَا

جانَ هَازِ تُو وَ اَقْدَارَهَا درْ فِضْنَهِي قَدْرَتْ تُو

ای دریای کرم، قطره‌ای به شترت توجه نموده و

ای آفتاب بجود، وجود جودت را طلب کرده



الله معبود ام بسجودا، این مشت حاک را از اهتزاز کلمه‌ی

مبارکه منع منا و از حرارت محبت محروم مساز



است بر فضل مغض.

و عالم قدرت زیر فرمان تو، هر چه کنی عدل صرف

الله معبود ام قصودا کریما رحما، امر امر توست و حکم آن تو



ای پروردگار

از تو می طلبیم کل را راه نمایی و بدایت فرمایی

یا محبوبی و مقصودی و غایب آمایی، سوال می کنم تورا به اسم

اعظم که جهات عباد را خرق نمایی و باب رحمت را

بر ایشان بنمایی و بکشایی.



الْهَا مَعْبُودًا ازْ تَوْاْم وَبِهِ تَوَآْمَه اَمْ قَلْبِم رَابِّه نُور

مَرْفَقْت نَسْر فَرْمَا



الْهَا كَرِيمَيْه، غَنَّا آَنْ تَوْ، فَقَرَابَه بَابْ تَوْ، اَكَر عَطَا

فَرْمَانِي سَكَرِيمَه وَأَكَر مَحْرُومَه نَانِي حَامِدَه صَارِيمَه



ای قدر مصلیین را ز کأس یقین قسمت عطا فرما

اله معبد امجداد، عبادت را ز دریای شناسایی

واز انوار سیر ایان محروم منا

محروم منا و از انوار وجه ظهور منع مفرما



الهی الهی، دست قدرت از حب قوت بارو

این نفوس در گل مانده را نجات ده

امی غفار، از ما به جودت در گذر وای ستار به
کرمت ستر نماد امی فضال فضلت را باز مدار



ای کریم

این عبد را به خود و اگذار تویی قادر و توانا



الهـا كـرـيـمـا حـمـا

به ذکرت زنده ام و به امید لقایت موجود و مانده



پرور دگارا مهر بانی پادشاه دادسا
پ

حمد و شناو سکر و بهاتور اسراس است

از بساط قدس و قرب منع مفرما



الهارور دگارا، محبوا مقصود اعماد خود را محروم مناو
پ ..